

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۸

## بررسی رابطه علی بین توسعه انسانی و حکمرانی خوب: کاربردی از روش پانل علیت

ابوطالب کاظمی<sup>۱</sup>، داود حاتمی<sup>۲</sup>، قباد طهماسبی<sup>۳</sup>

### چکیده

توسعه انسانی از رویکرد توانایی‌های شخصی با توجه به بردار عملکرد متفاوت لذت بردن از سطوح مختلف رفاهی به عنوان یکی از بهترین شاخص‌های رفاهی مدنظر است. از طرفی برای توازن توسعه و رشد در تمامی سطوح، مداخله دولتی یا کیفیت دولت (حکمرانی خوب) امری ضروری است. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه علی میان توسعه انسانی و حکمرانی خوب برای کشورهای در حال توسعه آسیایی می‌باشد. بدین منظور با استفاده از روش پانل علیت و داده‌های ۱۹۹۶–۲۰۱۳ به بررسی ارتباط میان آن‌ها پرداخته شده است. نتایج نشان داده است که در بلندمدت بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی رابطه علی دوطرفه وجود دارد، ولی در کوتاه‌مدت این رابطه یک‌طرفه و از سوی توسعه انسانی به حکمرانی خوب می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی خوب، توسعه انسانی، پانل علیت، طبقه‌بندی JEL G3, O15

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتر اقتصاد، کارشناس مطالعات اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان ایلام.(نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکترا تحصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. Email: Davoud.hatami@yahoo.com

<sup>۳</sup>. دانشجوی دکترا تحصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

## مقدمه

حکمرانی مفهوم گستردگی است که با حوزه‌هایی چون محیط اقتصادی و یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ خود با عنوان نقش دولت در جهان در حال تحول، نه تنها بر نقش تعیین‌کننده دولت در تحولات اقتصادی اشاره کرده، بلکه دامنه بحث‌های نظری و تجربی در مورد کارکرد دولت را در سطح جهانی گسترش داده است، سلسله مباحث مذکور به تعیین مفهوم حکمرانی متنه‌گردید.

بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار تعریف می‌کند. مطابق تعریف بانک جهانی، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای خطمشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت پردازند. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحده به صورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر و رشد توسعه‌ی انسانی پایدار دارد. ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه را می‌توان از سه منظر مورد ارزیابی و بررسی قرارداد. اول؛ حکومت دموکراتیک، که بر مشروعیت، مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر دلالت می‌کند. این تعریف اصول اساسی توسعه را شکل داده و توسعه مشارکتی را ارتقاء می‌بخشد. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ادعا می‌کند که سرمایه‌گذاری در حکمرانی دموکراتیک به پیشرفت در اهداف توسعه کمک خواهد کرد. رویکرد دوم؛ با حکمرانی مؤثر سروکار دارد که بیشتر به توانایی اداره کردن مربوط می‌شود تا شکل حکومت کردن.

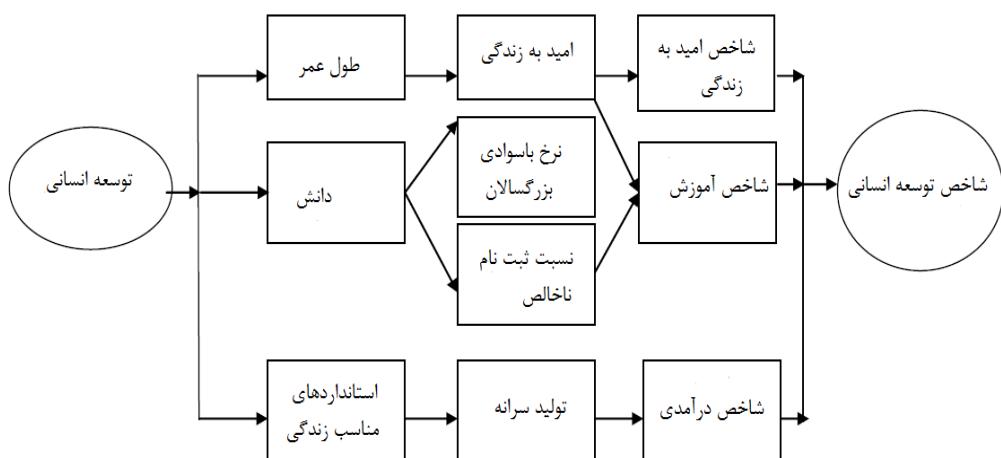
رویکرد سوم؛ به عملکرد هماهنگ که منجر به نظم در اقدامات و تعاملات میان دولت و دیگر بازیگران می‌شود، مربوط است (قنبیری، ۱۳۹۱). راهبرد توسعه انسانی در برنامه توسعه سازمان ملل مورد توجه قرار گرفت و از سوی محبوب الحق اقتصاددان فقید پاکستانی و کارگروهی با حضور افرادی چون آمارتیاسن تکامل یافت. در این راهبرد، مهم‌ترین عامل توسعه هر جامعه، افراد آن جامعه در نظر گرفته شده‌اند، چراکه انسان، هم هدف و هم ابزار توسعه است. در راهبرد توسعه انسانی اندازه دولت مهم نیست و در عوض نوع وظایف دولت و نحوه انجام آن مهم است. در نظریه حکمرانی خوب، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت بر نقش تسهیل گری آن تأکید می‌شود و با رویکرد توسعه سیاسی و دموکراسی بر نقش مهم دولت در بسترسازی به منظور تقویت نهادهای مدنی، آزادی‌های اجتماعی تأکید می‌شود. بنابراین موضوع حکمرانی خوب باهدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان، تأکید می‌شود، که همه این‌ها با حکمرانی خوب امکان تحقق می‌یابد (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱). بنا بر اهمیت این مسئله، مطالعه حاضر به بررسی رابطه علی بین توسعه انسانی و حکمرانی خوب برای کشورهای آسیایی<sup>۱</sup> منتخب با استفاده از روش پانل علیت پرداخته است. لذا پس از بیان مقدمه به بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق پرداخته شده است. در بخش سوم روش تحقیق و داده‌ها معرفی شده است. در بخش چهارم نتایج برآورد مدل بررسی شده است. نهایتاً جمع‌بندی از موضوع صورت پذیرفته است.

## ادبیات موضوع

عمدتاً یکی از واقعیت‌های مهم اقتصادی حفظ سلامتی افراد جامعه است. قبلًا از GDP سرانه به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری استفاده می‌شد. اما حقیقتاً GDP سرانه نمی‌تواند کیفیت زندگی را به خوبی نشان دهد (Pradhan, 2011). این معیار تنها برخی از ملاحظات را در نظر می‌گیرد. ابراد اساسی این دیدگاه عدم توجه به مفهوم عدالت در داشتن فرصت‌های واقعی فردی

<sup>۱</sup>. آذربایجان، ارمنستان، اردن، اندونزی، ایران، بحرین، بنگلادش، پاپوآ‌نی، پاکستان، تایلند، ترکیه، گرجستان، چین، سوریه، فیلیپین، فزانستان، کویت، مالزی، نپال، هند، ویتنام، یمن

است. توجه تنها بر درآمد در سطوح فردی و انبوه، عوامل مختلفی را که منجر به ایجاد تفاوت در فرصت‌های واقعی افراد می‌شود، نادیده می‌گیرد و فرض می‌کند که درآمد باعث افزایش رفاه می‌شود. درواقع توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه برداشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعداد و ظرفیت‌های انسانی است. بنابراین برای توصیف آن به یک شاخص چندبعدی اجتماعی – اقتصادی نیاز است که بتواند تمامی ملاحظات را شامل شود (Clarke Nussbaum, 2000; Stiglitz, 2002; Clarke et al., 2006). در این شاخص بهجای تمکن بر اندازه‌گیری رفاه انسانی، رویکرد تمکن بر سطح آموزش، طول عمر و درآمد بهمنظور دست‌یابی به یک زندگی طولانی، سالم و فعال مدنظر است (Komlos Haq, 2003) (Daly, 1996; Dodds, 1997; and Islam, 2004; and Snowdon, 2005; Sen, 2001 & 1999). شکل شماره (۱) نمای کلی توسعه انسانی برای رسیدن به شاخص توسعه انسانی را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۱): نمای کلی توسعه انسانی برای رسیدن به شاخص توسعه انسانی

منبع: Rudra et al, 2011

برای توازن توسعه در تمامی سطوح مداخله دولتی یا کیفیت دولت (حکمرانی خوب) امری ضروری است. مطابق با ایده فوکودا-پار (Fukuda-Parr, 2003) یک حکومت مردمی که از طریق سیاست‌های جایگزینی قدرت اعتراض مردم در امور داخلی کشور را گسترش می‌دهد و تضمینی برای پاسخ به اعتراضات داشته باشد، لازمه توسعه انسانی است. در دهه آخر قرن ۲۰ نیاز به حکمرانی خوب برای تبیین توسعه انسانی مورد توجه محققین قرار گرفت. اهمیت مسئله به این برمی‌گردد که دولت می‌تواند به طور مؤثری منابع را در بخش عمومی تخصیص دهد که این می‌تواند یک بهبود جمعی برای افراد جامعه تلقی شود. وجود کالای عمومی، احتمالاً انتخاب‌های عمومی در یک محیط مردمی را بیشتر کرده و زمینه‌های توسعه‌یافتنی را در قالب حکمرانی خوب نمایان می‌سازد (Karl, 1998). درواقع با توجه به تعریف حکمرانی، حکمرانی در ارتباط با نهادها و ساختارهای است که از قدرت موجود استفاده می‌کنند و این به نحوی بیان‌کننده ارتباط آن با بخش عمومی است. افزایش در هزینه‌های عمومی توسط دولت به عنوان تضمینی برای بهبود سلامتی و آموزش در بین افراد جامعه است. اما این هزینه‌ها اغلب آنچنان که انتظار می‌رود نمی‌تواند در دسترس فقراء قرار گیرد. بنابراین بر نحوه توزیع خدمات عمومی باستی توجه کافی صورت پذیرد (Rudra et al, 2011). پس تغییر در کالاهای عمومی می‌تواند متأثر از حکمرانی باشد. لذا توسعه در بخش عمومی می‌تواند به توسعه تک‌تک افراد جامعه بیانجامد.

بانک جهانی کیفیت حکمرانی را بر اساس شش شاخص برای کشورهای مختلف تعریف کرده است که داده‌های آن هر دو سال یکبار از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ و سالانه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ در دسترس است. این شاخص‌ها شامل:

- حق اظهارنظر و پاسخگویی: درجه‌ای که ساکنان یک کشور قادر به مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی را دارند.
- ثبات سیاسی و عدم خشونت: اندازه‌گیری ثبات دولت با توجه به خشونت‌های سیاسی و تروریسم.
- کارایی و اثربخشی دولت: توانایی دولت در اجرای سیاست‌های مؤثر و حفظ اعتبار.
- کیفیت قوانین و مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن.
- حاکمیت قانون: وجود یک سیستم قانونی خوب از جمله حقوق مالکیت و اجرای قراردادها.
- کترل فساد: درجه‌ای که قدرت عمومی با توجه به منافع شخصی منحرف می‌گردد.

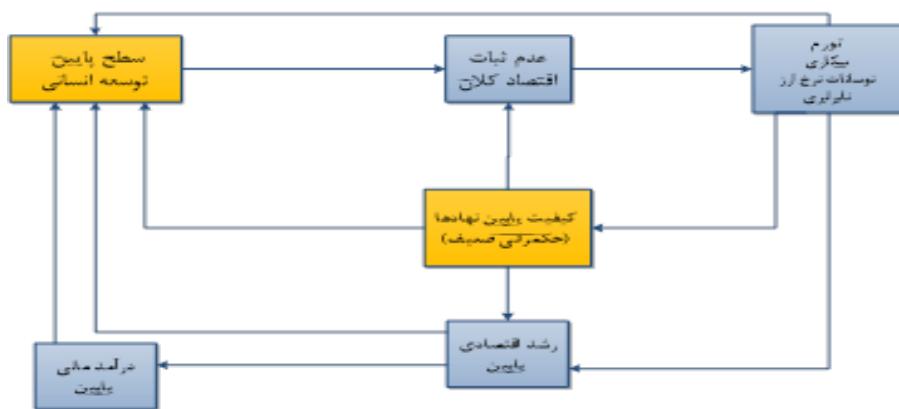
یک اعتقاد عمومی مبنی بر اینکه بسیاری از مشکلات توسعه پایدار منعکس کننده شکست حکومت (کیفیت بد حکومت) است وجود دارد. به همین دلیل است که در بسیاری از مطالعات علت فقر مزمن و عقب‌ماندگی توسعه‌ای را ناشی از حکمرانی ضعیف می‌دانند. درواقع وجود بحران‌های حکومتی حاکی از وجود فساد، ناکارآمدی خدمات عمومی و سایر مسائل مربوط به شکست بازار است. فساد به عنوان یکی از معضلاتی است که یک کشور می‌تواند با آن رویرو شود (Babatunde, 2012). افزایش فساد در یک اجتماع سبب تشدید نابرابری‌ها و فقر می‌شود، درنتیجه اثر منفی بر توسعه انسانی خواهد گذاشت. هراندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۷). در این راستا آزادی سیاسی و مشارکت مردم در امور اجتماعی به عنوان مبانی حکمرانی به عنوان بخشی از توسعه انسانی مدنظر می‌باشدند. آزادی سیاسی و توانایی نشان دادن قابلیت‌های اجتماعی برای دست‌یابی به توسعه انسانی نیازمند به سواد و سلامت مناسب است؛ که بدون توجه به جنبه‌های توسعه انسانی، امکان‌پذیر نخواهد بود.

حکمرانی خوب یکی از ویژگی‌های برگسته بنیادی برای موفقیت توسعه اجتماعی - اقتصادی در یک کشور است. دولتها معمولاً نقش کلیدی در بهداشت، آموزش، تنظیم بازار سرمایه، ثبات اقتصاد کلان و... دارند (Brautigam, 1991). اگر دولتها موارد فوق را به خوبی اجرا کنند، نتیجتاً در اقتصاد شاهد رونق خواهیم بود. لذا حکمرانی خوب به بیان چگونگی برهم‌کنش میان مراحل و سازمان‌های اقتصادی، ارتباط آن با شهروندان و نحوه تصمیم‌گیری‌ها در جامعه می‌پردازد (Ijaiya, 2006). حکمرانی خوب می‌تواند تنها عنصر برای کاهش فقر و بسط توسعه در یک جامعه باشد (Court & Heyden, 2005). از آنجائی که افزایش سطوح خوشبختی و رفاه برای تمامی افراد جامعه یک واقعیت عینی برای یک اقتصاد است، همچنین با توجه به اینکه اغلب بحران‌های جوامع بشری شامل طیف گسترده‌ای انتخاب‌ها به منظور دست‌یابی به بهداشت و آموزش و نیل به منابع موردنیاز برای استانداردهای زندگی است (Muniba et all, 2012)، لذا حکمرانی خوب می‌تواند موانع موجود جهت رسیدن به این اهداف را از میان بردارد. شواهد نشان می‌دهد که حکمرانی بد مانع رشد و سرمایه‌گذاری و تشدید فقر خواهد شد. در کشورهای درحال توسعه مشکلاتی چون سازماندهی ضعیف، رشد پایین، فقر و نابرابری وجود دارد که این موارد سبب کاهش سطوح توسعه انسانی می‌گردد. درواقع بهبود سیستم حکومت سبب افزایش کیفیت زندگی انسان از طریق ریشه‌کنی فقر، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش می‌شود (Muzenda, 2014).

از دیدگاه توسعه انسانی حکمرانی خوب، حکومت دموکراتیک حکومتی است که (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۲):

- ۱- حقوق افراد جامعه و آزادی‌های اساسی آن‌ها مورد احترام قرار گیرد و به آن‌ها اجازه می‌دهد که با احترام زندگی کنند.
- ۲- مردم اجازه تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی خود را دارند.

- ۳- قوانین فرآگیر و عادلانه بوده و نهادها و شیوه‌های حکومتی تحت تعاملات اجتماعی هستند.
- ۴- زنان مساوی با مردان در تمامی حوزه‌های اجتماعی حضور داشته باشند.
- ۵- هیچ‌گونه تبعیض نژاد، قومیت، طبقه و جنسیت یا هر ویژگی دیگری وجود نداشته باشد.
- ۶- نیازهای نسل آینده در سیاست‌های فعلی منعکس شده باشد.
- ۷- برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی باهدف ریشه‌کنی فقر و توسعه انسانی برنامه‌ریزی شوند.
- مطابق آنچه در فوق بیان شد می‌توان کارکرد کلی ارتباط حکمرانی و توسعه انسانی را در شکل شماره (۲) نشان داد.



شکل شماره (۲): چرخه ارتباط حکمرانی و توسعه انسانی

منبع: Caceres, 2010

رزمی و صدیقی در مطالعه‌ای به بررسی الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پرداختند. نتایج نشانگر وضعیت نامناسب این شاخص‌ها در ایران است (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱)

مازنده<sup>۱</sup> در مطالعه‌ای به بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر توسعه ۱۱ کشور جنوب آفریقا برای دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۵ با روش پانل دیتا پرداخت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حکمرانی خوب تأثیر معناداری مثبتی بر توسعه دارند (Muzenda, 2014) مانیبا و همکاران<sup>۲</sup> در پژوهشی به بررسی خود اقتصادی و توسعه انسانی در کشور پاکستان برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۷۶ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پرداختند. نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت میان حکمرانی خوب اقتصادی و توسعه انسانی دارد. (Muniba et al, 2012)

اومنکالو و آقیشی<sup>۳</sup> به بررسی حکمرانی خوب و توسعه انسانی نیجریه برای دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۰ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) پرداختند. نتایج حاکی از اثرگذاری حکمرانی خوب بر توسعه انسانی است (Omokalo & Aigheyisi, 2012).

رادرا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی کشور هند برای دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۱ با استفاده از روش پانل دیتا پرداختند. نتایج نشان داد که حکمرانی خوب از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی منجر به توسعه انسانی خواهد شد.

<sup>1</sup>. Muzenda,<sup>2</sup>. Muniba et al,<sup>3</sup>. Omokalo & Aigheyisi,<sup>4</sup>. Rudra et al

جعفری صمیمی و جهادی (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی توسعه انسانی و حکمرانی خوب برای کشورهای عضو OPEC برای دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۲ با روش پانل دیتا پرداختند. نتایج نشان داد که شاخص حکمرانی خوب اثر مثبت معناداری بر توسعه انسانی دارد.

تفاوت مطالعه حاضر با سایر مطالعات در این است که رابطه علی میان توسعه انسانی و حکمرانی خوب را موردنبررسی قرار داده است. از طرفی با بهره‌گیری از روش پانل علیت، این رابطه را برای گروه کشورهای در حال توسعه آسیایی مورد ارزیابی قرار داده است.

## مواد و روش‌ها

داده‌های این مطالعه از سایتها (UNDP)<sup>۱</sup> و (WGI)<sup>۲</sup> برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۳ برای کشورهای آسیایی گردآوری شده است. به منظور برآورد و بررسی نتایج داده‌های پانلی از روش علیت گرنجری استفاده شده است. بدین ترتیب پس از بررسی مانایی متغیرهای مورداستفاده در مدل به بررسی رابطه علی میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی در کشورهای مذکور پرداخته شده است.

## یافته‌های تحقیق

### نتایج برآورد مانایی

قبل از انجام تخمین و برآورد مدل لازم است که مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد و پس از اطمینان از مانایی، به برآورد مدل پرداخته شود. بدین منظور در مقاله حاضر از آزمون ریشه واحد استفاده شده است و نتایج مبنی بر مانا بودن تمامی متغیرها پس از یکبار تفاضل‌گیری است که در جدول (۱) موجود می‌باشد.

**جدول شماره ۱- نتیجه آزمون ریشه واحد متغیرها**

متغیر	مقدار آماره در سطح	تفاضل مرتبه اول
حکمرانی خوب	-۱/۵۴۶۸ (۰/۱۱۵)	۴/۲۴۱۵ (۰/۰۰۰)
توسعه انسانی	۰/۶۲۱۴ (۰/۳۲۱)	۳/۷۳۵۱ (۰/۰۰۳)

با توجه به اینکه هر دو متغیر پس از یکبار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند، به بررسی رابطه هم جمعی میان دو متغیر پرداخته می‌شود. نتایج در جدول (۲) آمده است.

**جدول شماره ۲- نتایج آزمون مانایی متغیرها**

آزمون	آماره	احتمال
Levin, Lin & Chu	-۶/۶۱۶۳	۰/۰۰۰
Im, Pesaran and Shin W-stat	-۲/۶۲۶۵	-۰/۰۰۴۳
ADF - Fisher Chi-square	۷۲/۵۵۵	۰/۰۱۲
PP - Fisher Chi-square	۷۶/۰۹۷	۰/۰۰۶

<sup>۱</sup> United Nations Development Programme

<sup>۲</sup> Worldwide Governance Indicators

## آزمون چاو یا F

آزمون چاو برای به کارگیری مدل داده های تلفیق شده در برابر مدل داده های تابلویی انجام می شود.

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_n = \alpha \\ H_1 : \alpha_1 \neq \alpha_2 \neq \dots \neq \alpha_n \neq \alpha \end{cases}$$

رابطه (۱):

جدول شماره ۳- آزمون چاو یا F

احتمال	آماره محاسباتی	اثر آزمون چاو
۰/۰۰	۱۶۹/۱۷۴	مقطع عرضی

از آنجایی که آماره F در سطح احتمال بیش از ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی دار است، فرضیه  $H_0$  رد شده بنابراین برای برآورده مدل باید از داده های تابلویی استفاده نمود که در این گونه داده ها باید عرض از مبدأ های مختلفی را در برآورد لحاظ نمود.

## آزمون هاسمن

در مرحله دوم می بایست مشخص شود که مدل در قالب کدامیک از مدل های اثرات ثابت و تصادفی قابل بیان و بررسی است. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده خواهد شد. فرضیه آزمون هاسمن به صورت زیر بیان می شود:

$H_0$ =Random Effects

$H_1$ =Fixed Effects

فرضیه صفر این آزمون بیانگر استفاده از روش اثرات تصادفی و فرضیه مقابله، نشانگر استفاده از روش اثرات ثابت است.

جدول شماره ۴- آزمون هاسمن

احتمال	آماره کای دو
۰/۰۰۰	۲۱/۸۴۸

نتایج بیان شده در جدول (۲) نشان می دهد که فرضیه  $H_0$  مبنی بر تصادفی بودن مدل، در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می شود؛ درنتیجه بهترین نوع برآورده، روش اثرات ثابت است.

## نتایج علیت مدل

برای بررسی رابطه علیت میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی ابتدا رابطه کوتاه مدت و سپس رابطه بلند مدت میان آنها بررسی می شود. نتایج بررسی رابطه علیت در جداول شماره (۵) و (۶) آمده است.

جدول شماره ۵- نتایج بررسی رابطه علیت بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی

مقدار آماره	فرضیه صفر
۰/۶۳۳۵ (۰/۰۵۹۲۸)	حکمرانی خوب علیت گرنجری توسعه انسانی نیست
۳/۲۲۱۱ (۰/۰۴۲۶)	توسعه انسانی علیت گرنجری حکمرانی خوب نیست

نتایج علیت در کوتاه‌مدت نشان داد که حکمرانی خوب اگرچه بر توسعه انسانی اثرگذار است، اما این تأثیر در سطح قابل قبولی معنadar نیست. توسعه انسانی علیت گرنجری حکمرانی خوب است. نتایج علیت در بلندمدت نشان می‌دهد که بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی رابطه علی دوطرفه وجود دارد.

**جدول شماره ۶- نتایج بررسی رابطه علیت بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی**

فرضیه صفر	مقدار آماره
حکمرانی خوب علیت گرنجری توسعه انسانی نیست	۳/۶۸۴۱ (۰/۰۰۸۱)
توسعه انسانی علیت گرنجری حکمرانی خوب نیست	۲/۵۴۲۳ (۰/۰۵۲۰)

مبانی نظری توسعه انسانی از رویکرد توانایی‌های شخصی با توجه به بردار عملکرد متفاوت لذت بردن از سطوح مختلف رفاهی به عنوان یکی از بهترین شاخص‌های رفاهی مدنظر می‌باشد. طبق این دیدگاه درآمد، بهداشت و آموزش و پرورش به عنوان برداری از فرصت‌های ممکن در دسترس افراد است. اگرچه توسعه انسانی در برگیرنده مفاهیم گسترده‌ای است، اما طبق رویکرد سنتی به طور قابل توجهی به سرمایه انسانی توجه دارد. بنابراین به حدی که توسعه انسانی برای ارتباط با سرمایه انسانی ضروری است و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثرگذار است، پس توسعه انسانی بر روی رشد نیز اثرگذار خواهد بود. بنابراین به طور خاص هریک از اجزای توسعه انسانی تأثیر مشخصی بر رشد اقتصادی دارند. از طرفی برای توازن توسعه و رشد در تمامی سطوح، مداخله دولتی یا کیفیت دولت (حکمرانی خوب) امری ضروری است. دولت می‌تواند به طور مؤثری منابع را در بخش عمومی تخصیص دهد که این می‌تواند یک بهبود جمعی برای افراد جامعه تلقی شود. حکمرانی خوب در ارتباط با نهادها و ساختارهای است که از قدرت موجود استفاده می‌کنند و این به نحوی بیان‌کننده ارتباط آن با بخش عمومی است. افزایش در هزینه‌های عمومی توسط دولت به عنوان تضمینی برای بهبود سلامتی و آموزش در بین افراد جامعه است. از آنجائی که مؤلفه‌های موجود در توسعه انسانی همانند آموزش بُعد بلندمدت دارند و جزئی از سرمایه انسانی محسوب شده که در بلندمدت آثار جانی خود را نشان می‌دهد (لوکاس، ۱۹۸۸)، لذا حکمرانی خوب در کوتاه‌مدت قادر نخواهد بود بر آن تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. با گذر زمان و بهبود کیفیت در مؤلفه‌های موجود در توسعه انسانی، میزان تأثیرگذاری معنadar و پررنگ‌تر خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در نظریه حکمرانی خوب، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت بر نقش تسهیل گری آن تأکید می‌شود و با رویکرد توسعه سیاسی و دموکراسی بر نقش مهم دولت در بسازی بهمنظور تقویت نهادهای مدنی، آزادی‌های اجتماعی تأکید می‌شود. بنابراین موضوع حکمرانی خوب باهدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان، تأکید می‌شود، که همه این‌ها با حکمرانی خوب امکان تحقق می‌یابد. با توجه به اهمیت مسئله، در این مطالعه به بررسی رابطه علی میان حکمرانی خوب و توسعه انسانی برای کشورهای پرداخته شده است. نتایج نشان داد که بین توسعه انسانی و حکمرانی خوب در بلندمدت رابطه علی معنadar وجود دارد. اما در کوتاه‌مدت این رابطه یک طرفه از سوی توسعه انسانی به حکمرانی خوب می‌باشد.

## منابع

- رزمی، محمدجواد و صدیقی، سمیه (۱۳۹۱). «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد خمینی شهر قنبیری، علی (۱۳۹۱). «توسعه اقتصادی و توسعه انسانی»، تهران، نشر چالش، چاپ اول.
- کمیجانی، اکبر و سلطانی، پروانه (۱۳۸۷). «تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OECD و OPEC»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۶، صص ۲۴-۱.
- Babatunde, A. A (2012). "The Role OF Good Governance and Effective Public Administration towards Achieving Economic Growth and Stability in Fledgeling DemocracyE", *International Journal of Politics and Good Governance*, 3(3):1-17.
- Brautigam, D (1991). "Governance and Economy: A Review, World Bank Policy Research Working Paper,815", Washington D. C.: The World Bank.
- Clarke, M. & Islam, S (2004). "Economic Growth and Social Wellbeing: Operationalizing Normative Social Choice Theory". *Amsterdam: North Holland*. 2. 127
- Clarke, M., Islam, S. M. N., Paech, S (2006). "Measuring Australia's Wellbeing Using Hierarchical Needs". *Journal of Socio-Economics*, 35: 933-945.
- Daly, H. (1996). "Beyond Growth", Boston: Beacon Press. ISBN: 978-080704709-5
- Dodds, S (1997). "Economic Growth and Human Wellbeing. In Diesendorf, M. and Hamilton, C. (eds.)", *Human Ecology and Human Economy*, Sydney: Allen and Unwin.Edit 2, pp 254-289
- Haq, M. Ul. (2003). "the Birth of Human Development Index In Fukuda-Parr, S. and Shiva Kumar, A. K. (eds.)", Readings in Human Development. UK: Oxford University Press.
- Human Development Report (2002). "DemocraticE Governance for Human Development". Chapter 2. PP 51-61.
- Ijaiya, G. T. (2006): "Good Governance and Poverty Reduction in Nigeria: A Framework for Policy Analysis", *Journal of Social and Economic Policy*, 3 (1): 47-58.
- Komlos, J. and Snowdon, B. (2005): "Measures of Progress and Other Tall Stories: From Income to Anthropometrics", *World Economics*, 6 (2): 87-135
- Lucas, Robert E. (1988): "On the Mechanics of Economic Development," *Journal Of Monetary Economics*, 22, 3-42
- Muniba Zulfiqar, Samar Shakeel, Parvez Azim (2012). "Economic Governance and Human Development: Evidence from Pakistan", *Asian Dev. Stud*, Vol. 1, Issue 1, (March 2012).pp 35-43.
- Muzenda, a. (2014). "Estimating the Impact of Governance Quality on Development in Sub-Saharan Africa", *Public Policy and Administration Research*, ISSN 2224-5731 (Paper) ISSN 2225-0972 (Online), 4 (10).
- Cáceres, L. R (2010). "Governance, human development and economic growth in Latin America", *Revista IIDH*,51: 157-183
- Court, J. & Hyden, G (2005). "World Governance Survey: a new approach to assessing governance".Editon 1, pp 124-129
- Nussbaum, M. (2000): "Women and Human Needs". Oxford: Oxford University Press.
- Oziengbe Scott Aigheiyisi and Obhiosa, Benedict Omonkalo (2012). "Governance and Human Development: Empirical Evidence from Nigeria", *JORIND* 10 (3), December, 2012. ISSN 1596 - 8308. www.transcampus.org/journals, www.ajol.info/journals/jorind
- Pradhan, P., (2011). "Good Governance and Human Development: Evidence form Indian States. School of Management", *Indian Institute of Technology Kharagpur*, West Bengal, India.
- Rudra P. Pradhan1 and G. S. Sanyal (2011). "Good governance and human development: Evidence form Indian States", *Journal of Social and Development Science*, Vol. 1, No. 1, pp. 1-8, Feb 2011
- Karl wohlmuth (1998). "Good Governance and Economic Development. New Foundations for Growth in Africa", *IWIM-Institute for World Economics and International Management*.
- Sen, A. K. (1999): "Development as Freedom", Oxford University Press, Oxford
- Sen, A. K. (2001): "What is Development About? In G. Meier and J. E. Stiglitz (eds.), *Frontiers of Development Economics: The Future in Perspective*". Oxford: Oxford University Press.
- Stiglitz, J. E. (2002): "Employment, Social Justice and Societal Wellbeing". *International Labour Review*, 141 (1- 2): 9-29
- www.govindicators.org

